

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان و ادبیات

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تحلیل جایگاه و نقش گرگ در اسطوره‌های ایرانی و ادبیات فارسی

(انواع ادبی حماسی و عرفانی)

استاد راهنما:

دکتر فرانک جهانگرد

استاد مشاور:

دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی

پژوهشگر:

رحمان نقی‌زاده گرمی

شهریورماه ۱۴۰۰

سپاس خدای را در آغاز؛

و دیگر

کسانی که باور را در سینه‌های ما کاشتند.

تقدیم به گرگ‌ها؛ از آغاز خلقت تا امروز.

چکیده: گرگ از روزگاران دور همسایه انسان بوده و به سبب سازگاری اش با شرایط زیست محیطی گوناگون با بخش بزرگی از جمعیت انسان‌ها در ارتباط بوده است. از همین روست که جای پای گرگ را می‌توان در بسیاری از اسطوره‌های ملل مختلف با دلالت‌های گوناگون دید. تصویر گرگ در این اساطیر هم مثبت است و هم منفی؛ و از آفرینش انسان تا آخرالزمان را شامل می‌شود. در این میان این نکته به چشم می‌آید که براساس جست‌وجوهای نگارنده، گرگ در اساطیر ایران کم‌رنگ‌تر ظاهر شده و همان حضور کوتاه نیز در بعد منفی اش بوده است. اکنون روشن نیست که گرگ از ابتدا چنین جایگاه کم‌ارزشی در اساطیر ایرانیان داشته، یا بخشی از خویش‌کاری‌هایش در گذر سالیان از بین رفته یا موجود اساطیری دیگری این خویش‌کاری‌ها را دارد. احتمال واگذاری خویش‌کاری‌ها از آن روی بالاست که در اساطیر همسایگان فرهنگی ایران گرگ را در نقش‌های مشابه می‌بینیم؛ در حالی که چنین نقش‌هایی در اساطیر ایران برای گرگ وجود ندارد.

ما در این پژوهش در پی آنیم که ابتدا خویش‌کاری‌ها و نقش‌های گرگ را در اسطوره‌های ایرانی، و انواع ادبی حماسی و عرفانی بیابیم و سپس با در کنار هم گذاشتن آن‌ها به چشم‌اندازی بزرگ‌تر و روشن‌تر از «گرگ در ادبیات و اسطوره ایران» برسیم. پژوهش ما با تمرکز بر شاهنامه فردوسی آغاز می‌شود و سپس دیگر متون حماسی را پوشش می‌دهد. در ادامه نیز جایگاه گرگ را در ادبیات عرفانی بررسی خواهیم کرد. ما تلاش خواهیم کرد تا ضمن پرداختن به این تصویر، بیابیم که دلیل غیبت گرگ چیست و چه عواملی منجر به آن شده‌اند. مسئله دیگری که به آن خواهیم پرداخت تفاوت‌ها و شباهت‌های چهره گرگ در ادبیات عرفانی با ادبیات حماسی و اسطوره‌ای، و دلالت‌های دیگر این جانور در متون عرفانی است.

نتیجه پژوهش به ما نشان داد که گرگ در متون حماسی جایگاهی اسطوره‌ای و نمادین دارد، اما در متون عرفانی بیشتر جنبه تمثیلی پیدا کرده است. مقایسه‌ای که در بخش حماسی انجام شد نمایانگر این مسئله بود که خویش‌کاری‌های گرگ در اساطیر همسایگان فرهنگی ایران، در متون ایرانی بیش از همه به سیمرغ واگذار شده است. در مرحله بعدی نیز نقش‌های کلیدی گرگ در داستان‌های تمثیلی متون عرفانی نشان داده شده است.

کلیدواژه‌ها: گرگ، اسطوره، تمثیل، ادبیات حماسی، ادبیات عرفانی

فهرست مطالب

و	چکیده
۱	پیشگفتار
۴-۱۷	فصل اول: کلیات طرح تحقیق
۵	۱-۱. مسأله پژوهش
۶	۲-۱. موضوع پژوهش
۶	۳-۱. قلمرو پژوهش
۷	۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش
۷	۵-۱. اهداف پژوهش
۸	۶-۱. نوع پژوهش
۸	۷-۱. پرسش‌های پژوهش
۹	۸-۱. فرضیه‌های پژوهش
۹	۹-۱. پیشینه پژوهش
۱۲	۱۰-۱. واژه‌های مهم و کلیدی

فصل دوم: جایگاه و نقش گرگ در اسطوره‌ها و ادب حماسی ایران-----۶۰-۱۸

۱-۲. جایگاه گرگ در اساطیر ایران و جهان ----- ۲۰

۲-۲. گرگ در متون دینی ایران باستان ----- ۲۲

۳-۲. ردّپای رابطه تورانیان (ترکان) و گرگ در اساطیر و حماسه‌های ایرانی ----- ۲۴

۴-۲. جایگاه و نقش گرگ در متون حماسی با تکیه بر شاهنامه فردوسی ----- ۲۹

۱-۴-۲. شخصیت‌ها و درفش‌ها ----- ۲۹

۲-۴-۲. گرگ ----- ۳۰

۳-۴-۲. گرگسار ----- ۳۱

۴-۴-۲. گرگین ----- ۳۱

۵-۴-۲. ضحاک ----- ۳۲

۶-۴-۲. درفش‌ها ----- ۳۲

۵-۲. گرگ‌کُشی ----- ۳۴

۶-۲. گرگ در حماسه و اسطوره‌های ملل؛ از آغاز آفرینش تا رستاخیز ----- ۳۸

۱-۶-۲. نیای باستانی ----- ۳۸

۲-۶-۲. پرورش‌دهنده (مادر) ----- ۴۰

۳-۶-۲. راهنما، نجات‌دهنده و محافظ ----- ۴۱

۴-۶-۲. ارتباط گرگ با مرگ، جهان زیرین، هدایت مردگان و آخرالزمان ----- ۴۳

- ۴۴ ----- ۵-۶-۲. توتم قبیله
- ۴۶ ----- ۶-۶-۲. گرگ و خدای جنگ
- ۴۶ ----- ۷-۶-۲. مرکب
- ۴۷ ----- ۸-۶-۲. پیکرگردانی به گرگ
- ۴۷ ----- ۹-۶-۲. خودگرگ‌پنداری
- ۴۸ ----- ۷-۲. گرگ در اسطوره‌های ایرانی
- ۱-۷-۲. خویش‌کاری‌های گرگ در اسطوره‌های ملل و نمادهای متناظر با آنها در حماسه‌ها و اسطوره‌های ایرانی ----- ۵۰
- ۵۰ ----- ۱-۱-۷-۲. نقش نیای باستانی
- ۵۰ ----- ۲-۱-۷-۲. نقش پرورش‌دهندگی و راهنمایی
- ۵۲ ----- ۳-۱-۷-۲. نقش‌های مرتبط با مرگ
- ۵۳ ----- ۴-۱-۷-۲. توتم ایرانیان باستان
- ۵۴ ----- ۵-۱-۷-۲. خدای جنگ در اساطیر ایرانی
- ۵۴ ----- ۶-۱-۷-۲. گرگ؛ نماد شجاعت و قدرت
- ۵۶ ----- ۷-۱-۷-۲. مرکب در اساطیر و حماسه‌های ایرانی
- ۵۶ ----- ۸-۱-۷-۲. پیکرگردانی در حماسه و اساطیر ایران
- ۵۸ ----- ۸-۲. جمع‌بندی

فصل سوم: جایگاه و نقش گرگ در متون عرفانی ایران ----- ۶۱-۸۶

۳-۱. نقش‌های گرگ در متون عرفانی ----- ۶۳

۳-۱-۱. نفس ----- ۶۶

۳-۱-۲. شیطان ----- ۷۱

۳-۱-۳. فلک و دنیا و روزگار ----- ۷۳

۳-۱-۴. اجل و مرگ ----- ۷۴

۳-۱-۵. قضای الهی و قیامت ----- ۷۵

۳-۱-۶. پیشوای ناشایست و انسان‌های ستمکار ----- ۷۶

۳-۱-۷. زشتی ----- ۸۰

۳-۱-۸. غم ----- ۸۱

۳-۱-۹. رذایل اخلاقی ----- ۸۱

۳-۱-۹-۱. انسان غافل (غفلت) ----- ۸۲

۳-۱-۹-۲. حسادت ----- ۸۲

۳-۱-۹-۳. فرومایگی ----- ۸۲

۳-۱-۹-۴. حرص و طمع‌کاری ----- ۸۲

۳-۱-۹-۵. بدکاری ----- ۸۳

۳-۱-۹-۶. بداخلاقی ----- ۸۴

۳-۱-۱۰. نتیجه‌گیری ----- ۸۵

فصل چهارم: نتیجه گیری ----- ۸۷-۹۱

کتابنامه ----- ۹۲

چکیده انگلیسی ----- ۱۰۴

پیشگفتار

علاقه به گرگ و اندیشیدن درباره جایگاه اسطوره‌ای این حیوان از سال‌ها پیش در ذهن من جرقه خورده بود و در این باره می‌خواندم و می‌اندیشیدم. باری، نخستین سرآغاز برای نگارش در این باره در کلاس شاهنامه (متون حماسی)، و با یک پروژه کوچک کلاسی پا گرفت؛ که در آن پژوهشی بسیار کوچک و کم‌حجم درباره جایگاه گرگ در شاهنامه کرده بودم. اولین پرسشی که در این مسیر برایم ایجاد شد، دلیل غیبت و یا حضور کم‌رنگ گرگ در اساطیر ایران، برخلاف اسطوره‌های همسایگان فرهنگی ایران بود. پس از عرضه این نوشته در کلاس، در واحدهای پژوهش‌ورزی دوره کارشناسی ارشد هم همین موضوع را از جوانب و زوایای گوناگون بررسی کردم. در این میان، دو مقاله نیز از پژوهش‌هایم با همکاری و همراهی استادان پژوهش‌گده ادبیات نوشته و منتشر شد. درباره این دو مقاله در بخش پیشینه پژوهش به تفصیل نوشته‌ام.

این انتشار و حمایت استادان گرامی مرا مصمم‌تر کرد که موضوع مورد علاقه‌ام، جایگاه گرگ در ادبیات و اساطیر ایرانی، را بیش از پیش جدی بگیرم و تلاش کنم با گردآوری منابع معتبر و بررسی حیطه بزرگ‌تری از آنها حاصل پژوهش‌هایم را در قالب پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نیز عرضه کنم. به این منظور از کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بهره گرفتم و هرآنچه می‌توانستم خواندم و فیش‌برداری کردم. از آنجا که این موضوع پیش از این چندان مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار نگرفته بود، یافتن منابع مسیری طولانی‌مدت و پُرحمت بود. بسیاری از کتاب‌هایی که در این مسیر خواندم مطلب مفید چندانی برای پُربارتر کردن پژوهشم نداشتند؛ لیکن در دیگر زمینه‌ها برایم آموزنده بودند. چون منظومه‌های حماسی ارتباط نزدیک‌تری با اساطیر دارند، تلاش کردم تا حد ممکن این متون را از منابع مختلف تهیه کرده، مطالعه کنم. در همین راستا این منظومه‌های حماسی را در جست‌وجوی رد پای از کنش‌مندی گرگ خواندم:

شاهنامه فردوسی، بانوگشسپ‌نامه، گرشاسب‌نامه، فرامرزنانه، کوش‌نامه، برزونه‌نامه، کک‌کوهزاد، سام‌نامه، همای‌نامه، شهریار‌نامه، بهمن‌نامه، شبرنگ‌نامه، بیژن‌نامه، بریجان، داستان پتیاره، تهمینه‌نامه کوتاه، تهمینه‌نامه بلند، رزم‌نامه‌شکاو‌ندکوه.

در کنار این منظومه‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و کتاب‌های مرتبط با متون حماسی را نیز مطالعه کردم تا بتوانم دقیق‌تر به مسئله نگاه کنم. پس از این مرحله، کارم را متوقف نکرده، در پی جایگاه گرگ در دیگر انواع ادبی به جست‌وجو پرداختم. ادبیات عرفانی، ادبیات کودک، ادبیات معاصر، ادبیات عرب، اساطیر جهان، ادبیات عامه، ادبیات مدرن، کتاب‌های تاریخی، ادبیات غنایی، عجایب‌نامه‌ها و... از حوزه‌هایی بود که در این مسیر کتاب‌هایی را مطالعه و فیش‌برداری کردم. در حین این مطالعات پرسش‌ها و ابهامات تازه‌تری برایم ایجاد شد، و این بار در جست‌وجوی پاسخ این سوالات برآمدم و دامنه پژوهشم را گسترده‌تر کردم.

استفاده از تمام این موارد از ظرفیت پایان‌نامه فراتر می‌رفت، از این رو با پیشنهاد استادان راهنما و مشاور، و همچنین شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه تصمیم بر این شد که در کنار اساطیر و متون حماسی، ادبیات عرفانی هم به پژوهش منتهی به این پایان‌نامه افزوده شود؛ تا هم بر حجم کار و نتایج پیش روی خوانندگان بیفزاییم، و هم با ادغام این سه حوزه پرسش‌های بیشتری را در زمینه غیبت گرگ در اساطیر ایرانی پاسخ گفته باشیم.

کوتاه سخن، برای هر سرنخی که می‌یافتم به دنبال منابع مرتبط نیز می‌گشتم، پاسخ‌هایم را با پرسش‌هایی تازه‌تر همراه می‌کردم تا ارزش علمی پژوهشم بالاتر رود، و هر جا که نامی از گرگ آمده بود، بررسی می‌کردم. نتیجه این چند سال پژوهش و نگارش، تا این جا همین پایان‌نامه‌ای است که مطالعه خواهید کرد. قطعاً یافته‌های پژوهش هنوز از نظر خودم کامل نیست و در دوره دکتری نیز از فرصت‌های فراهم‌شده بهره خواهم جست تا بررسی نظام‌مندی را در ادامه کارم انجام دهم و بتوانم جای خالی پژوهش درباره یکی از کنش‌مندترین حیوانات در اساطیر جهان را اندکی پُر کنم تا دیگر پژوهشگران نیز بتوانند از این یافته‌ها برای پژوهش‌های جدید بهره بگیرند.

پیش از آغاز متن اصلی، لازم می‌دانم که از سرکار خانم دکتر جهانگرد و جناب آقای دکتر محمدنژاد صمیمانه تشکر کنم که در این مسیر همراه و مشوق من بودند و از هیچ محبتی در حق بنده دریغ نکردند. و سپاس‌گزار مجموعه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتابخانه غنی این پژوهشگاه، و

مهربانی و دانش دیگر استادان پژوهشکده زبان و ادبیات که کمک‌حال و یاریگر من بودند تا بتوانم در موضوع مورد علاقه‌ام به پژوهش بپردازم.

فصل اول: کلیات طرح تحقیق

۱-۱. مسأله پژوهش

اساطیر یادگاران مردم کهن‌اند؛ و تأثیر آنها را می‌توان در باورها و فرهنگ مردم هر سرزمین مشاهده کرد. از آن‌جا که بخش بزرگی از فرهنگ هر جامعه در گذر اعصار در ادبیات آن ملت بازتاب می‌یابد، مهم است که پژوهشگران از دیدگاه‌های گوناگون به رابطه اسطوره و ادبیات بپردازند و تأثیر اسطوره‌های کهن ملت‌شان را در شکل‌گیری ادبیات، در شاخه‌های مختلف آن، بررسی کنند. هنگامی که می‌خواهیم رابطه متقابل ادبیات و اسطوره را واکاوی کنیم، شاید مهم‌ترین منابع ادبی منظومه‌های حماسی به‌جا مانده از دوران گذشته باشد. ما در این پژوهش بخش بزرگی از کارمان را به بررسی این متون اختصاص داده‌ایم. البته برای آنکه نگاه‌مان را گسترده‌تر کنیم ادبیات عرفانی را نیز بررسی کرده‌ایم تا بتوانیم مقایسه کوتاهی هم میان این دو نوع ادبی از ادبیات فارسی داشته باشیم.

گرگ از روزگاران دور همسایه انسان بوده و به‌سبب سازگاری‌اش با شرایط زیست‌محیطی گوناگون با بخش بزرگی از جمعیت انسان‌ها در ارتباط بوده است. از همین روست که جای پای گرگ را می‌توان در بسیاری از اسطوره‌های ملل با دلالت‌های گوناگون دید. تصویر گرگ در این اساطیر هم مثبت است و هم منفی؛ و از آفرینش انسان تا آخرالزمان را شامل می‌شود. در این میان این نکته به‌چشم می‌آید که براساس جست‌وجوهای نگارنده، گرگ در اساطیر ایران کم‌رنگ‌تر ظاهر شده و همان حضور کوتاه نیز در بعد منفی‌اش بوده است. اکنون روشن نیست که گرگ از ابتدا چنین جایگاه کم‌ارزشی در اساطیر

ایرانیان داشته، یا بخشی از خویش‌کاری‌هایش در گذر سالیان از بین رفته یا به موجود اساطیری دیگری منتقل شده است. احتمال واگذاری خویش‌کاری‌ها از آن روی بالاست که در اساطیر همسایگان فرهنگی ایران گرگ را در نقش‌های مشابه می‌بینیم؛ در حالی که چنین نقش‌هایی در اساطیر ایران برای گرگ وجود ندارد.

لازم به ذکر است که بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش به تقدم و تأخر، و تأثیرپذیری اساطیر ملتی از ملت دیگر اشاره ندارد؛ و صرفاً علل حضور و غیبت گرگ در اساطیر ایران مورد واکاوی قرار گرفته است. اشاره به جایگاه گرگ در اساطیر ترکان و دیگر همسایگان فرهنگی ایران در این پژوهش، برای تبیین مقدمه‌ای از حضور گرگ در جهان اسطوره‌ها بوده، تا به عنوان پیش‌درآمدی برای بررسی جایگاه اسطوره‌ای گرگ در اساطیر و حماسه‌های ایرانی مورد استفاده قرار بگیرد.

۲-۱. موضوع پژوهش

موضوع این پژوهش بررسی ارتباط میان متون ادبی با اسطوره‌ها و همچنین متون دینی باستان است؛ و ما از این دریای بی‌کران، جایگاه و نقش گرگ را در متون حماسی و عرفانی برای واکاوی دقیق‌تر و عمیق‌تر انتخاب کرده‌ایم؛ تا ارتباط این متون ادبی را با اساطیر ایران بررسی کنیم.

۳-۱. قلمرو پژوهش

این پژوهش دو نوع ادبی از ادبیات فارسی را شامل می‌شود: ادب حماسی و ادب عرفانی. پیش از آنکه بررسی این دو نوع ادبی را آغاز کنیم، ابتدا به نمادشناسی گرگ و جایگاه اسطوره‌ای‌اش خواهیم پرداخت تا در ادامه بتوانیم نتیجه این بخش را با دستاوردهای حاصل از بخش‌های حماسی و عرفانی بسنجیم و

نتیجه‌گیری کنیم. در بخش حماسی تکیه ما بر شاهنامه خواهد بود. در کنار شاهنامه فردوسی، منظومه‌های زیر نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

بانوگشسپ‌نامه، گرشاسب‌نامه، فرامرزن‌نامه، کوش‌نامه، برزنامه، کک کوهزاد، سام‌نامه، همای‌نامه، شهریار‌نامه، بهمن‌نامه، شبرنگ‌نامه، بیژن‌نامه، ببر بیان، داستان پتیاره، تهمینه‌نامه کوتاه، تهمینه‌نامه بلند، رزم‌نامه شکاوندکوه.

ادبیات عرفانی، با توجه به جایگاه خاص حیوانات و تعبیرهای متفاوتی که نسبت به آنها در این نوع ادبی می‌شود، مرحله بعدی کار پژوهشی ما خواهد بود. در این بخش نگاهی به آثار عرفانی نظم و نثر خواهیم انداخت تا جایگاه گرگ را در این متون، و اندیشه عرفانی حاکم بر ادبیات ایران بشناسیم. تمرکز ما در نوع ادبی عرفانی بر روی مثنوی معنوی مولانا و آثار عطار خواهد بود.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالعات تطبیقی میان اسطوره‌شناسی و ادبیات می‌تواند راهی باشد برای شناخت بهتر آثار ارزشمند ادبی، و کشف زوایایی تازه‌تر در آثار شاعران و نویسندگان؛ از گذشته‌های دور تا امروز. این مطالعات در سال‌های اخیر سرعت گرفته است، اما بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که هیچ نوشته مستقلاً به جایگاه و خویش‌کاری‌های «گرگ» در اساطیر ایران، و ارتباط آن با ادبیات فارسی نپرداخته است. در این زمینه تنها معدود بررسی‌هایی در میان مقالات و کتاب‌ها دیده می‌شود که در بخش پیشینه پژوهش دقیق‌تر خواهیم نوشت.

گرگ در میان اساطیر و ادبیات همسایگان فرهنگ‌یاریان جایگاه والایی دارد، ولی در ادبیات و اساطیر ایران شاهد چنین جایگاهی نیستیم؛ و از آن‌جا که نقش‌آفرینی پررنگ گرگ را در همسایگان فرهنگی شرق و غرب کشورمان، و همچنین ملل دیگر نقاط جهان می‌بینیم، ضروری بود که بررسی دقیق‌تری در این زمینه صورت بگیرد تا جایگاه و نقش گرگ، و علل غیبت آن، در ادبیات ایران عیان‌تر گردد. این

پژوهش با چنین چشم‌اندازی آغاز شد و اینک آماده است تا مورد نقد استادان و پژوهشگران این حوزه قرار بگیرد.

۵-۱. اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش یافتن جایگاه گرگ در اسطوره‌های کهن ایرانی و شاخه‌های حماسی و عرفانی ادب پارسی است. ما در این مسیر با پرسش‌ها و فرضیاتی مواجه بوده‌ایم که در بخش مربوطه خواهند آمد.

۶-۱. نوع پژوهش

این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای است و برای نگارش آن تلاش شده تا از دست اول‌ترین منابع و معتبرترین کتاب‌ها و اندیشه‌های بزرگترین پژوهشگران این حوزه استفاده شود.

۷-۱. پرسش‌های پژوهش

با توجه به این‌که گرگ از دیرباز در ایران وجود داشته و سبک زندگی گروهی، شیوه شکار و صدای زوزه‌اش و مواردی از این دست برای پیشینیان پُررمزوراز بوده، دلیل غیبت و کم‌رنگ‌بودن آن در اساطیر ایرانی چیست؟ چگونه است که گرگ در اسطوره‌ها و ادبیات کهن ایران رد پای پررنگی از خود به‌جای نگذاشته است؟ کدام موجود اسطوره‌ای دیگر در ایران باستان خویش‌کاری‌های گرگ در اساطیر منطقه و جهان را برعهده گرفته است؟ یا دلیل دیگری هست که گرگ به‌کلی از فرهنگ کهن این سرزمین کنار گذاشته شده است؟ گرگ، در همین حضور کوتاه و کم‌رنگش، چه تصویر و چه تصویری در میان اندیشه‌ها

و نوشته‌های ایرانیان داشته است؟ سوال دیگر این‌که، دلیل تفاوت جایگاه گرگ (جایگاه دوگانه خیر و شر) در اسطوره‌ها چیست؟

ما در این پژوهش در پی آنیم که ابتدا خویش‌کاری‌های گرگ را در اسطوره‌های ایرانی، و شاخه‌های حماسی و عرفانی ادبیات بیابیم و سپس با درکنارهم گذاشتن آن‌ها به چشم‌اندازی بزرگ‌تر و روشن‌تر از «گرگ در ادبیات و اسطوره ایران» برسیم. پژوهش ما با تمرکز بر شاهنامه فردوسی آغاز می‌شود و سپس دیگر متون حماسی را پوشش می‌دهد. در ادامه نیز جایگاه گرگ را در ادبیات عرفانی بررسی خواهیم کرد. ضمناً تلاش خواهیم کرد تا با پرداختن به این تصویر، بیابیم که دلیل غیبت گرگ چیست و چه عواملی منجر به آن شده‌اند. مسئله دیگری که به آن خواهیم پرداخت این است که چهره گرگ در ادبیات عرفانی با آنچه در ادبیات حماسی دیده‌ایم چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد، و این‌که گرگ در ادبیات عرفانی کدام دلالت‌های دیگر را نیز یافته است.

۱-۸. فرضیه‌های پژوهش

گرگ از کنش‌مندترین جانوران در اساطیر جهان است.
در اساطیر و ادبیات ایران این جایگاه کم‌رنگ‌تر می‌شود.
حضور گرگ در منابع فارسی بیشتر در نقش‌های منفی بوده است.
دلیل این نقش منفی می‌تواند سبک زندگی گله‌داری ایرانیان باشد.
عقاید دینی ایرانیان باستان و اهریمن‌آفریده بودن گرگ هم در این نقش‌آفرینی شرورانه بی‌تأثیر نیست.
رد پای چهره منفی گرگ در باورهای دینی و همچنین باورهای عامه را می‌توان پی گرفت و نتیجه آن را در متون ادبی مشاهده کرد.

گرگ در متون حماسی فارسی، بیش از آنکه خویش‌کاری‌های مثبت بپذیرد، پذیرای خویش‌کاری‌های منفی است.

جایگاه گرگ در متون عرفانی تحت تأثیر داستان قرآنی حضرت یوسف (ع)، و نیز سبک زندگی دامداری مردم ایران است.

۱-۹. پیشینه پژوهش

«گرگ» از حیوانات کنش‌مند در اساطیر و ادبیات همسایگان فرهنگی ایران و سایر ملل جهان است. این مسئله را می‌توان با نگاهی به حجم پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره گرگ به‌خوبی دریافت. گرگ در اساطیر ملل از اسطوره‌های آفرینش تا آخرالزمان نقش دارد. با این حال، تا جایی که نگارنده جست‌وجو کرده است، بین پژوهش‌های انجام‌شده در ایران اثر مستقلی به جایگاه گرگ نپرداخته است و پژوهشگران - شاید به‌خاطر حجم کم مطالب و پراکندگی آن‌ها در منابع - از این موضوع چشم پوشیده‌اند. در حدی که به‌جز چند مقاله و اشاراتی در کتاب‌های اسطوره‌شناسی و ادبیات، دیگر اثری از پژوهش در زمینه جایگاه گرگ در ادبیات و اساطیر ایران نمی‌بینیم.

مقاله‌ای از مریم رضائی اول و دکتر شامیان ساروکلائی درباره جایگاه گرگ در شاهنامه فردوسی با عنوان «گرگ در منظومه‌های حماسی ایران» در سال ۱۳۸۸ در نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز منتشر شده است. در این مقاله شاهنامه و ده منظومه حماسی پس از آن به منظور استخراج و طبقه‌بندی مهمترین بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و حماسی این حیوان کاویده شده است. اهریمنی بودن، سکونت در غار (جهان زیرین)، مردارخواری، سخندانی، تیرگی پوست، سرو داشتن، سوارشدن پهلوان بر گرگ، توت‌گرگ، پرورش کودک با شیر گرگ، گرگ‌کشی یلان، پیکرگردانی به سیمای گرگ، گرگ و گرگساران، گرگ و انجمن مردان مهمترین این بن‌مایه‌ها هستند. در این مقاله جنبه اهریمنی گرگ در منظومه‌های حماسی ایران با ویژگی‌هایی مانند تیرگی تن، زندگی در غار و گرگ‌کشی پهلوان در هفت‌خان نشان داده شده است. چهره گرگ در این مقاله صرفاً در منظومه‌های حماسی فارسی بررسی شده است. این مقاله

بعداً در پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خانم رضائی با عنوان «هفت جانور اسطوره‌ای در منظومه‌های حماسی ملی ایران با تکیه بر شاهنامه فردوسی» نیز جای گرفته‌است.

پس از ایشان نیز دو مقاله با عناوین «رد پای گرگ در اساطیر و باور ملل و جایگاه آن در ادبیات منظوم و منثور ایران» از دکتر کامران پاشایی فخری و رقیه محمودی‌وند بختیاری و «گرگ در شاهنامه و فرامرزنامه» از حاتم سلیمانی، محمدجعفر پروین و سمیه آروند منتشر شده‌است. این دو پژوهش هم‌راستا با کار خانم رضائی اول بوده‌اند و چندان به نکته‌های تازه اشاره نداشته‌اند. در بخش نخست مقاله «رد پای گرگ در اساطیر و باور ملل و جایگاه آن در ادبیات منظوم و منثور ایران» جایگاه گرگ در اسطوره‌های پاره‌ای از اقوام با تأکید بر اسطوره‌ها و ادبیات عامیانه اقوام ترک نشان داده شده‌است. گرگ توت‌ترکان و در بین آنها نماد شجاعت خوانده شده و چهره‌ای مشابه گرگ در روم باستان و آمریکای شمالی دارد، اما در سرزمین ایران، موجودی اهریمنی و نابودکننده گله‌است. در بخش دوم این مقاله چهره گرگ در پاره‌ای از داستان‌ها و شعرهای فارسی نشان داده شده و کاربرد آن در برخی از تعبیرها، کنایات و حکایت‌های فارسی تبیین شده‌است.

در مقاله «ناگفته‌های گرگ: مطالعه تطبیقی دو داستان گرگ و آوای وحش» کهن‌الگوی گرگ و جنبه‌های مثبت و منفی آن نزد اقوام مختلف به‌ویژه آنچه کلاریسا پینکو استیس درباره مراحل تفرد حین توصیف سفر زن برای یافتن روحش بیان می‌کند، در دو داستان آوای وحش و گرگ بررسی شده و این نتیجه به دست آمده که تصویری که گلشیری از گرگ به دست می‌دهد، بیشتر بر خصوصیات گرگ در ادبیات غرب منطبق است، تا برداشت‌ها و تلویحات از این حیوان در ادب کلاسیک فارسی.

در مقاله «نقش گرگ از اسطوره تا تاتو» جایگاه نمادین گرگ در اسطوره‌های پاره‌ای از اقوام و ارتباط آنها با نقش خالکوبی گرگ بر بدن آنها نشان داده شده‌است.

لازم به ذکر است که نگارنده پیش از این با همکاری خانم دکتر جهانگرد و آقای دکتر محمدنژاد دو عنوان مقاله در این زمینه آماده کرده‌است:

مقاله «جایگاه و نقش شیرانه گرگ در شاهنامه فردوسی» با راهنمایی دکتر محمدنژاد و دکتر جهانگرد، که مورد تأیید نشریه متن‌پژوهی ادبی قرار گرفته‌است. در این مقاله به بررسی جایگاه گرگ در شاهنامه پرداخته شده، و ضمن اشاره به خویش‌کاری‌های مثبت آن، علل حضور پُرنرنگ‌تر خویش‌کاری‌های منفی گرگ در حماسه فردوسی نیز بررسی شده‌است. در این مقاله با روش تحلیل متن کوشیده شده‌است دلایل نگاه منفی فردوسی به گرگ تحلیل شود. نتایج حاصل از این پژوهش‌ها می‌دهد که یک دلیل

عمدهٔ ارائهٔ تصویری منفی و شریرانه از گرگ در شاهنامه، حضور اهریمنی گرگ در متون دینی ایران باستان و اسطوره‌هاست که کشتن آن را جزو اعمال مثبت و دارای پاداش برمی‌شمارند. دلیل دیگر این مسئله یکی گرفته‌شدن تورانیان با ترکان توسط فردوسی در شاهنامه است. لذا فردوسی هنگام سخن گفتن از تورانیان آنها را به گرگ تشبیه کرده و صفتهای منفی این حیوان را برای توصیف آنان به کار برده است.

مقالهٔ «بررسی تطبیقی جایگاه گرگ در اسطوره‌های ملل و اسطوره‌های ایرانی» با راهنمایی دکتر جهانگرد در نشریهٔ پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی چاپ شده است. در این پژوهش به بررسی نقش و جایگاه گرگ در اساطیر ملل مختلف پرداخته شده، سپس این خویش‌کاری‌ها در اسطوره‌های ایرانی بررسی شده است تا مشخص شود نقش‌های گرگ، در اساطیر ایرانی به کدام موجودات نسبت داده شده است. این پژوهش در حوزه مطالعات میان رشته‌ای اسطوره‌شناسی و ادبیات و در پی یافتن پاسخ این پرسش‌هاست: خویشکاری‌های گرگ در اساطیر سایر را کدام موجودات اسطوره‌ای در فرهنگ ایرانی دارند؟ به عبارت دیگر جانشین گرگ در اساطیر ایران کدام موجود است؟ بر طبق این پژوهش، تنها پاره‌ای از نقش‌های گرگ را در اسطوره‌های ایرانی می‌توان دید. در حالی که هیچ موجودی چنین نقش‌های جامع و گسترده‌ای ندارد، بخش عمده‌ای از این نقش‌ها را سیمرغ ایفا می‌کند. البته همتانگاری سیمرغ و شاهین (وارغن)، این حضور را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد. بخش دیگر خویشکاری‌های گرگ در اسطوره‌های سایر ملل را شیر و بهرام در اساطیر ایرانی بر عهده دارند.

۱-۱۰. واژه‌های مهم و کلیدی

اسطوره: کلمه‌ای است معرب از واژه یونانی هیستوریا به معنی جستجو، آگاهی و داستان. ارائه تعریف کاملی از اسطوره که دربرگیرنده همه مفاهیم آن باشد کار آسانی نیست. در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره معنی آنچه خیالی و غیرواقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد یافته است؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا